



بحثی پیرامون امکان شرفیابی به خدمت حضرت امام عصر (ع) در غیبت کبری

سؤال: چنانکه می‌دانیم اشخاص جلیل‌القدر و مورد وثوق و اعتماد، در حکایات بسیاری که از حد تواتر هم گذشته است، تشریف بسیاری را به فیض حضور انور حضرت مهدی علیه السلام نقل نموده‌اند که با سندهای معتبر، در کتابهای مشهور ثبت و ضبط است.

بحثی پیرامون امکان شرفیابی به خدمت حضرت امام عصر علیه السلام در غیبت کبری سؤال:

چنانکه می‌دانیم اشخاص جلیل‌القدر و مورد وثوق و اعتماد، در حکایات بسیاری که از حد تواتر هم گذشته است، تشریف بسیاری را به فیض حضور انور حضرت مهدی علیه السلام نقل نموده‌اند که با سندهای معتبر، در کتابهای مشهور ثبت و ضبط است. در همین عصر خودمان نیز برخی به این سعادت عظمی نایل گردیده‌اند، با اینکه در توقیع صادر به نام جناب «علی بن محمد سمری» نایب چهارم از «نواب اربعه» در عصر غیبت صغری، اعلام شده است که: «وقعت الغیبة التامة فلا ظهور الا بعد اذن الله تعالى ذكره... و سیاتی لشیعتی من یدعی المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحة و هو کذاب مفتر...» (1)

«غیبت کامل آغاز شده و هر کس پیش از «خروج سفیانی» و «صیحه آسمانی» ادعای مشاهده نماید، کذاب و مفتری است.»

بنابر این چون آن حکایات به هیچ وجه قابل خدشه نیست، این توقیع را چگونه باید تفسیر کرد؟

جواب:

این توقیع، اعلام پایان یافتن «غیبت صغری» و شروع «غیبت کبری» است در آن به جناب «علی بن محمد سمری» - رضوان الله علیه - امر شده است که به احدی وصیت ننماید که بعد از او قائم مقام او و نایب خاص باشد. و نیز اعلام صریح بطلان ادعای افرادی است که در غیبت کبری، ادعای نیابت و سفارت خاصه و وساطت بین امام علیه السلام و مردم می‌نمایند.

بنابر این، چنانکه بعضی بزرگان هم فرموده‌اند، ممکن است مراد از اینکه «مدعی مشاهده» کذاب و مفتری خوانده شده است، کسانی باشند که ادعای نیابت کنند و بخواهند با دعوی مشاهده و شرفیابی، خود را واسطه بین امام و مردم معرفی نمایند، و همین حکایات و وقوع تشریف اشخاص به خدمت آن حضرت هم، قرینه و دلیل است بر اینکه در این توقیع، نفی مطلق مشاهده و شرفیابی مراد نیست، بلکه مقصود نفی ادعائی است که دلیل بر تعیین شخص خاصی به نیابت باشد.

و ممکن است مراد از توقیه مذکور نفی ادعای اختیاری بودن مشاهده و ارتباط باشد، یعنی اگر کسی مشاهده و ارتباط را به اختیار خود ادعا کند، به این صورت که هر وقت بخواهد خدمت امام علیه السلام شرفیاب می‌شود، یا ارتباط پیدا می‌کند، کذاب و مفتری است و این ادعای از احدی در غیبت کبری پذیرفته نیست، یا اینکه چنین کسی که این سمت را به راستی داشته باشد، پیدا نخواهد شد، و اگر هم کسی آن را دارا باشد، از دیگران مکتوم می‌دارد، و به کسی اظهار و افشا نمی‌نماید.

علاوه بر این، پیرامون این توقیع، توضیحات دیگری نیز علمای اعلام داده‌اند و در کتابهایی مثل «جنة الماوی» مرحوم محدث نوری نقل شده است.

اجمالاً با این توقیع، در آن همه حکایات و وقایع مشهور و متواتر نمی‌توان خدشه نمود، و بر حسب سند نیز، ترجیح با این حکایات است. اگر خواننده عزیز، خود به کتابهایی مثل نجم‌الناقب رجوع نماید، می‌بیند که در این حکایات، وقایعی است که هرگز شخص عاقل در صحت آنها نمی‌تواند شك کند. بنابر این، هم شرفیابی اشخاص به حضور آن حضرت ثابت است و هم کذب و بطلان ادعای کسانی که در غیبت کبری ادعای سفارت و یابت خاصه و وساطت بین آن حضرت و مردم را می‌نمایند، معلوم است.

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی

پی نوشتها

1- منتخب الاثر، ف 4، ب 3، ص 400، ح 13.